

بررسی الگوهای مدیریتی در ایران و آمریکا در تداوم منازعات بین دو کشور

دکتر قدرت احمدیان^۱

دکتر محمد ابوالفتحی^۲

حمیدرضا چراغی^۳

چکیده

از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران با آمریکا به سمت تنش و عدم تعامل حرکت نموده، که درمقاطع مختلف قابل مشاهده است. که در بعضی دوره‌ها شدت بیشتری داشته و در برخی دیگر زمینه سازی‌های برای تعامل فراهم شده، که در اینجا باید گفت که تفاوت در الگوهای مدیریتی در دوره‌های مختلف چگونه موجب تداوم منازعات در روابط ایران و آمریکا شده است. باید گفت که تفاوت در الگوهای مدیریتی موجب گسترش منازعات در برخی از دوره‌ها و کاهش منازعه در برخی دوره‌های دیگر شده، با روی کار آمدن دولت اصلاحات در دوره آقای خاتمی که مقارن با ریاست جمهوری بوش در آمریکا بود ایران در این دوره سیاست تنش‌زدایی را در پیش گرفت. در دوره بعدی که آقای احمدی نژاد در مقابل بوش و اوباما قرار داشت سیاست تنش‌زدایی را کنار گذاشته و با سیاست تهاجمی در مقابل یکدیگر قرار گرفته. در دوره بعدی با روی کار آمدن حسن روحانی که با دوره باراک اوباما هم دوره بود شاهد تلاش‌های دو کشور برای حل و فصل اختلافات به صورت گام به گام که در نهایت به برجام ختم شد شاهد بودیم و در دوره اخیر با روی کار آمدن دولت ترامپ تنشها و اختلافات دوباره از سر گرفته شده که تنشها از سوی این دولت بوده و به مشکلات دامن می‌زند. بنابراین تداوم منازعات در روابط ایران و آمریکا همچنان وجود داشته که در برخی از دوره‌ها همانند دوره احمدی نژاد و جرج بوش بیشترین تنش و در دوره اوباما و روحانی کمترین منازعه را داشته است.

واژه‌گان کلیدی: آمریکا، ایران، منازعه، الگوی مدیریتی، همگرایی.

ghodratA@yahoo.com

۱- استادیار روابط بین الملل دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

dr.mabolfathi@razi.ac.ir

۲- استادیار روابط بین الملل دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳- دانش آموخته روابط بین الملل کارشناسی ارشد دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)

runiran73@gmail.com

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و آمریکا از همکاری و تعامل به سمت تنش و رویارویی حرکت نموده است که بازتاب آن را می‌توان در مسائل مختلف همچون واقعه طبس، کودتای نوژه، حمله به سفارت آمریکا، جنگ ایران و عراق، ترور شخصیت‌های جمهوری اسلامی، مقابله با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، گسترش شعاع تحریم‌ها و ... از جمله این موارد بوده، که نشان دهنده تداوم منازعات در روابط جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا بوده است. که در اینجا در صدد بررسی نوع مدیریت منازعات در سیستم جمهوری اسلامی و ایالات متحده هستیم که روی کار آمدن روسای جمهور در دو کشور چگونه زمینه آغاز تعامل در برخی از دوره‌ها را فراهم نموده و زمینه گسترش تنش در برخی از دوره‌های دیگر را فراهم نموده است که در این تحقیق در چارچوب الگوی مدیریتی استفان کوهن نوع مدیریت در دو کشور و تاثیر آن بر فراز و نشیب روابط ایران و آمریکا از دوره دولت اصلاحات در ایران و بوش در آمریکا تا دوره اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. که در ابتدا چارچوب نظری الگوی رهبری بررسی می‌شود در بخش دوم الگوی مدیریتی در ایران در دوره خاتمی، احمدی نژاد و روحانی‌پدر بخش سوم الگوی مدیریتی در آمریکا در دوره بوش، اوباما و دونالد ترامپ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری

از مفهوم رهبری تعاریف متنوعی در کتابها و مقالات آمده است دلیل آن این است که که هر نویسنده رهبری را از دیدگاه متفاوتی تعریف کرده است که برخی از این تعاریف عبارت اند از: به گفته مک فارلند، یک رهبر کسی است که باعث می‌شود چیزهای اتفاق بیفتد که در غیر این صورت اتفاق نمی‌افتد اگر رهبر باعث تغییراتی که او در نظر گرفته شده است بشود او اعمال قدرت کرده است، اما اگر رهبر باعث تغییراتی شود که او قصد نفوذ نداشته، نفوذ او اعمال شده نه قدرتش.

رهبر شخصی است که یک چشم انداز را می بیند و اقدامات لازم را برای رسیدن به آن چشم انداز انجام می دهد و دیگران را به عنوان شریک در تعقیب و انجام تغییر همراه می کند (Laub, 2004:5).

رهبری نفوذ در مردم است به منظور همراه کردن آنها برای رسیدن به یک مقصود مشترک (کونتر ادانل، ۱۳۸۰:۴۱۶). کیت دیویس: رهبری یعنی توانایی ترغیب دیگران به کوشش مشتاقانه جهت هدفهای معین.

دوایت آیزنهاور رهبری را به کارگیری مردم برای انجام آنچه که شما می خواهید آنها انجام دهند می داند.

رهبری سیاسی یک فرایند پیچیده است که توسط آن افراد از طریق اعمال نفوذ و قدرت بر پیروانشان جامعه مدنیو مردم می خواهند یک مجموعه ای از اهداف اجتماعی را به انجام برسانند رهبران سیاسی برای شروع و همچنین برای شتاب روند تغییر در هر جامعه ای ضروری هستند. این تغییرات ممکن است تغییرات اجتماعی، اقتصادی، تغییر قانون اساسی و یا تغییرات سیاسی باشد (Thimmaiah, 2006:2).

ویژگی و قابلیت های رهبر

ویژگی های اساسی یک رهبر را می توان داشتن چشم انداز فاقدام و همراهی کردن دانست.

در اختیار داشتن طیف وسیعی از قدرت رسمی، الزام منجر به بهره برداری افراد از این قدرت نمی شود، ابعاد کلیدی از توانایی رهبری سیاسی وجود دارد که اهمیت ویژه ای به عنوان رهبر دارد:

۱- کارایی فردی: توانایی کار با دیگران و درک دیگر افراد آگاهی از نقاط ضعف و قوت است.

۲- توانایی راهبردی

- ۳- آگاهی سیاسی: داشتن توانایی برای درک و کار موثر با جریانهای سیاسی پویایی هم در داخل و هم در خارج
- ۴- توانایی بسیج: هم بسیج اعضا و هم بسیج سازمانها، برای ایجاد تغییر و تحولات گسترده (Leach, 2005).

مدل‌های مدیریتی رهبری از دیدگاه کوهن

رهبری اقتصادسالار: نوعی از مدیریت بحران در سال‌های اخیر تحت عنوان مدیریت اقتصادسالاریاد می‌شود. که معمولاً از همکاری و بوروکراسی مدنی در برخی موارد نظامی تشکیل شده است که این گونه رهبری در صورتی می‌تواند به کار خود ادامه دهد که محیط منطقه‌ای کاملاً با ثبات و بدون هرگونه تنش باشد. که این افراد علائق چندانی به مسائل سیاسی از خود نشان می‌دهند. این مدل در بخشهای از شرق و جنوب شرق آسیا مورد توجه قرار داد. که نمونه آن اندونزی با رهبری سوهارتو دانست که به سمت اقتصادسالاری پیش رفته است (Cohen, 2006:41).

رهبری مدیریتی: این الگو بیشتر در کشورهای چند قومیتی همانند سریلانکا هندوستان و مالزی است این گونه رهبران بیشتر درسیاست داخلی مهار دارند در وهله دوم به مسائل سیاست خارجی و نظامی توجه می‌کنند. که به دلیل تلاش برای سازگاری و ثبات سیاست داخلی و دفاعی با سیاست خارجی این کشورها است.

رهبری استعلاگر: رهبر استعلاگرا جاه طلبی‌های دارد که در ورای کشورش است وی در تلاش است همانند ابزاری می‌بیند که او را قادر می‌سازد تا به عنوان بازیگر جهانی ایفای نقش کند مردمش را با خود همراه می‌کند. تا در این امر مهم تحلیل گر باشند در مورد رهبری استعلاگرا باید گفت که از آن به عنوان رهبری متعالی نیز نام می‌برند رهبر استعلاگرا به اهداف و رسالت خود اعتقاد دارد. در صورت داشتن منافع کافی از هر ابزاری برای نیل به هدف خود سود می‌جوید زیرا هدف خود را متعالی و خیر می‌شمارد. از سوی دیگر رهبر

استعلام‌گرا در تلاش برای اشاعه ارزشهای است که آن را نیک می‌پندارد. او خود را مناسب‌ترین شخص برای رهبری و هدایت تمام دنیا می‌داند و وظیفه خود می‌داند که جهان خیر را در مقابل شر هدایت کند و به این امر اعتقاد دارد. واکنش او به موانع و مشکلات می‌تواند بسیار سریع و بدون صرف زمان‌چندانی برای تصمیم‌گیری باشد. او همچنین ریسک‌پذیر و هدف‌گرا است. و چون به اهدافش اعتقاد راسخ دارد. با تمام توان و نیرو به سمت آنها حرکت می‌کند حتی اگر دیگران نپذیرند و در این راه تنها بمانند.

مائو و پل پت در این طبقه قرار می‌گیرند همانند هیتلر و موسولینی.

رهبری قهرمان: جاه‌طلبی این رهبر محدود به کشور خود است و نگاهش به خود به به عنوان پدربنیان‌گذاری است که مردم را از حکومت ستم‌پیشه آزاد کند به عنوان مثال کاریزما که سوکارنو پورنو را به سمت قدرت سوق داد اغلب در هدایت سیاست خارجی علیه دشمنان و گاهی هم صرفاً در ادامه فرایند ملت‌سازی به کار گرفته شد.

در مقابل در الگوی مدیریتی، رهبر یک مدیر به تمام معنا است او برای حل مشکلات و کنار زدن موانع دست به برنامه‌ریزی می‌زند و تلاش دارد آنها را مدیریت و کنترل کند و از ابزار کم‌هزینه و مطمئن‌تر استفاده می‌کند. و تمایلی به ریسک و ماجراجویی ندارد. و بسیار سنجیده منطقی و محتاط عمل می‌کند. او همچنین منطقی منعطف و پاسخگو است. در صورت وقوع بحران رهبر مدیریتی ترجیح می‌دهد همانند مدیر، و نه یک رهبر بحران را اداره کند. او برای رفع مشکلات از سایرین نیز کمک خواهد گرفت و ترجیح می‌دهد در امور با دیگران مشارکت داشته باشد.

الگوهای مدیریتی در ایران:

دولت خاتمی

دولت خاتمی به دنبال حرکت ایران به عنوان یک دولت ملت که در پی حفظشان، حیات، موفقیت کشور و احترام به جامعه بین‌المللی بود. دوران ریاست جمهوری

سیدمحمدخاتمی با نامه‌ای چون فرهنگ‌گرایی، سیاست محور، یا اصلاح‌گرایی مردم‌سالار شناخته می‌شود. که در این دوره نخبگان سیاست خارجی با تفسیر منابع هویتی نظام جمهوری اسلامی به تطابق با محیط و پذیرش هنجارهای موجود در آن پرداختند.

گفتگو تمدن‌ها

از مهمترین ابزارهای محمد خاتمی استراتژی تنش زدایی‌فابکار گفتگو تمدن‌ها بود. از زمان روی کار آمدن سید محمد خاتمی سیاست خارجی ایران تحت فشار قرار داشت. که طرح گفتگو تمدن‌ها در دستور کار قرار گرفت که از سوی ساموئل هانتینگتون مطرح شد. در این دوره ابتکار عمل سیاست خارجی با محدودیت مواجه شده بود. از طریق گفتگو تمدن‌ها خاتمی بر نفوذ و تاثیر گذاری ایران تاکید داشت. که ایران در نظام دجهانی و دنیای در حال جهانی شدن حضور گسترده و فعال برای حل و فصل مسائل جهانی را داشته باش (Aldosari, 2015:54).

سیاست خارجی ایران در چارچوب گفتگو تمدن‌ها بر اصول متمایز استوار شد که به رفتارهای متفاوت منجر شد. نظریه صلح محور گفتمان تمدن‌ها سیاست خارجی ایران را به سمت نوعی صلح‌گرایی مردم‌سالار سوق داد. که زمینه تنش زدایی، اعتمادسازی، همکاری و ائتلاف سازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را برای جمهوری اسلامی فراهم ساخت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸:۴۵۳).

تنش زدایی

سیاست تنش‌زدایی از جمله عناصر اصلی تشکیل دهنده گفتمان دولت اصلاحات در سیاست خارجی بود که ابتدا بر مفاهیم چون گفتگو تفاهم، تامین منافع و مصالح ملیز و پرهیز از اقدام و کشمکش بی فاصله قرار داشت. که سه عنصر اصلی عزت، حکمت، و مصلحت را در بر داشت. در همین چارچوب دولت اصلاحات تلاش نمود تا با اعتماد سازی با سایر کشورها و جامعه بین‌المللی حول محور اشتراکات و منافع منطقه‌ای بین‌المللی فضا را سامان دهد (نادری، ۱۳۹۱:۶۷).

در صحنه سیاست خارجی آقای خاتمی با اجرای سیاست تنش‌زدایی سیاست تعامل‌گرا براساس منافع ملی را مورد توجه قرار داد. که بر مبنای توجه به منافع بین‌الملل و قواعد جهانی باشد. و مسله کاهش اتکا به نفت از طریق افزایش صادرات و صدور خدمات در دستور کار قرار گرفت (فیروزآبادی، جامی، ۱۳۹۴: ۲۵).

در راهبرد سیاست خارجی دولت اصلاحات گفتمان فرهنگ‌گرایی و سیاست محور را در پیش گرفت و گسترش امور و رسیدگی به مسائل خارجی در چارچوب واقع‌گرایی ادامه یافت. دولت اصلاحات توانست با تصحیح چهره‌ی خشن جمهوری اسلامی از گفتگوی انتقادی به تعامل سازنده تغییر نگرش دهد. و نگرش جهانیان را نسبت به ایران تا حدودی بهبود ببخشد سفرهای متعدد رئیس‌جمهور و وزرای خارجه به همراه اعضای کابینه به خارج از کشور و دیدارهای متعدد از مصادیق آن است (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۷).

خاتمی تنش‌زدایی را محور سیاست خارجی دولت خویش را معرفی و به عنوان اهداف این سیاست را به عنوان محور سیاست خارجی مطرح می‌کند. که هدف آن توسعه و تثبیت موقعیت منافع ملی است که منافع در اجرای سیاست تنش‌زدایی است (خاتمی، ۱۳۸۱: ۹۹). دولت خاتمی سیاست تنش‌زدایی را هم در عرصه منطقه‌ای و جهانی در پیش گرفت که نمود آن را می‌توان در رابطه با امریکا جهت برقراری امنیت در افغانستان اشاره کرد که در این راستا گام‌های برداشت (دهشیری، ۱۳۹۰: ۵۹).

تعامل‌گرایی

سیاست ایران در دوره خاتمی در قبال منطقه بر تعامل و همگرایی منطقه‌ای با تاکید بر بر سازش در حوزه سیاست خارجی استوار بود. که سوظن‌ها بر طرف و تعامل با سازمانهای منطقه‌ای و جهانی از سر گرفته شود (www.basiratnews.265309) از اولویت‌های سیاست خارجی اصلاحات می‌توان به پیگیری و تلاش در جهت کاهش منازعات بین‌المللی در منطقه محقق شدن صلح بین‌المللی اشاره کرد دولت اصلاحات کوشید تا با ایجاد

رابطه‌ای میان سیاست داخلی و خارجی به گونه‌ای عمل کند تا همزمان در جهت استقرار دموکراسی در داخل و صلح بین‌المللی تلاش کرده باشد که به وابستگی اقتصادها و فرهنگها باور دارند (رمضانی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). تقویت منافع ملی و چند جانبه گرایی، ائتلاف سازی با کشورهای همسو، مشارکت فعال در شکل دهی قواعد و هنجارهای براساس منافع ملی و بستر سازی برای گسترش صادرات کالا و خدمات را فراهم نموده است (نجفی جویبار، ۱۳۸۷: ۱۳۴). تعامل سازنده براساس تعامل و گفتگو از جایگاه برابراحترام متقابل، کاستن از تنشها و اعتماد سازی در صدر اهداف عملیاتی جمهوری اسلامی دارد چرا که دوران انزواجویی در روابط بین‌الملل از بین رفته است. عدم حور در ساختار نظام بین‌الملل نوعی ضعف محسوب می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۸۳).

توسعه اقتصادی: در این دوره تلاش دولت بر مبنای توسعه دیپلماتیک و جذب سرمایه گذاری خارجی بوده، در برنامه ششم توسعه تلاش‌های مثبت دولت خاتمی در توسعه دیپلماسی اقتصادی با گفتگو تمدن‌ها و موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی قابل توجه است در برنامه ششم توسعه برای خروج کشور از رکود اقتصادی رشد اقتصادی ۸ درصد پیش‌بینی شده بود که برای بهبود توسعه اقتصادی در این راستا باید ۱۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب شود که باید ۴۰ درصد یعنی در حدود ۳۰ میلیارد دلار از خارج جذب شود و الزاماً تا اقتصاد یک کشور این شرایط را ایجاب نموده تلاش انجام داده است (نوبخت، ۱۳۹۴: ۵۰).

دولت احمدی‌نژاد

برقراری عدالت جهانی

جمهوری اسلامی از آن جهت بر عدالت‌ورزی در صحنه بین‌الملل تأکید می‌کند که عدالت از حقوق برابر، توزیع صحیح منابع در قلمرو حاکمیت دولت‌ها و احترام به قراردادهای بین‌المللی سخن می‌گوید. دولت احمدی‌نژاد با مبنا قرار دادن حاکمیت معنوی

اصولاً اخلاق در سیاست خارجی خواستار اجرای حاکمیت معنوی در تمام مناسبت‌ها جهانی شده است. که نظام هژمون را از میان بر دارد (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

دولت جمهوری اسلامی در دوره احمدی‌نژاد خود را رهبری کننده نظام خیر در مقابل شر معرفی می‌کرد که در صدد رهبری مقابله با نظام هژمون یک بود و دولت عدالت گستر را سنگر انقلاب مدافع اسلام و تشیع معرفی نمود. در دولت احمدی‌نژاد هدف را بر مبنای مبارزه با نظام حاکم در جهان و اصطلاحاً قرار داده‌اند بر اساس عدالت خواهی و عدالت گستری بود و کارگزاران دولت معتقد بودند که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب محدود نیست بلکه ماهیت فراملی فرامرزی دارد و خواستار صدور الگوهای انقلاب اسلامی به سایر کشورها بودند. تأکید دولت احمدی‌نژاد از طرفی دیگر بر پایبندی به قوانین و مقررات جهانی بوده است که باید سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای جهان به صورت یک جا با ملت‌ها برخورد کنند.

مخالفت با غرب

مقامات ایرانی معتقد بودند که با تشکیل یک محور ضد آمریکایی که شامل قدرت‌های هست از جمله چین، روسیه و هند توانایی این را خواهند داشت که به مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا بپردازند و از راه ارتباط با آمریکای لاتین نفوذ خود را در حیات خلوت ایالات متحده افزایش دهند (صانعی، ۱۳۸۸: ۲۶۳).

الگو بودن انقلاب اسلامی

دولت احمدی‌نژاد را باید در چارچوب دولتی کاملاً شیعی توصیف و مورد بررسی قرار داد که به دولت حکومت نگاه کاملاً اخلاقی دارد و تأسیس جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های فرا زمانی و فرامکانی شریعت اسلام را مرکز ثقل خود قرار دهد (منصوری‌مقدم، اسمعیلی، ۱۳۹۰: ۲۹۶).

دولت احمدی‌نژاد در سیاست خارجی به دنبال ساخت الگویی از جمهوری اسلامی ایران به عنوان سرمشق کشورهای منطقه و جهان سوم بود که در این راستا دولت اصولگرا تلاش می‌نمود تا از طریق الگوسازی از جمهوری اسلامی و معرفی آن به نظام بین‌الملل به عنوان حامی مستضعفان و مسلمان بود. با توجه به نگرش خاص احمدی‌نژاد به مسائلی همچون حقوق بشر، تروریسم، صلح اعراب و اسرائیل نشان دهنده هژمونی فکری ایران در منطقه و بی‌توجهی به ساختار محذورات جهانی بود (www.basiratnews.com.265309).

گسترش تعامل با کشورهای اسلامی

تقویت همکاری منطقه‌ای اسلامی، سیاست نگاه شرق، ریال آمریکای لاتین، جنبش عدم تعهد، متنوع سازی‌های گفتگوهای هسته‌ای، حمایت از جنبش مظلومان و مستضعفان جهانی به ویژه مردم فلسطین و نه از جهت گیری دولت یازدهم است (فیزوآبادی، ۱۳۸۶: ۹۴). از دید محمود احمدی‌نژاد دولت جمهوری اسلامی ایران ماهیت، کارکرد و مسئولیت اسلامی دارد نسبت به حقوق منافع و سرنوشت همه مسلمانان و مصالح اسلامی و حتی مستضعفان جهان مسئول است.

نفی ساختار نظام بین‌الملل

دولت احمدی‌نژاد و گفتمان اصول‌گرایی آن به دنبال مقابله با نظام بین‌الملل بود که از طریق تخریب این نظام موجود و استقرار نظامی مطلوب و مقابله با کانون‌های قدرت و سازمان‌های که در راستای منافع قدرت‌هی بزرگ هستند می‌توان به انتقاد شدید از دولت احمدی‌نژاد در خصوص سازمان ملل اشاره کرد (بصیری، احمدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۳). نارضایتی از ساختار بین‌المللی و تلاش در جهت اصلاح و تغییر این ساختار بود و به چالش کشیدن منافع دولت‌های قدرتمند جز اهداف اساسی دولت نهم بود.

دولت اعتدال‌گرای روحانی

از مرداد سال ۱۳۹۲ دولت اعتدال‌گرای دکتر حسن روحانی سکان دولت یازدهم را برای اداره امور کشور در دست گرفت. دولت روحانی هدف اصلی خود را در عرصه روابط خارجی پیشبرد اصل "تعامل سازنده معطوف به تامین منافع متقابل با اقتصاد جهانی از طریق غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل، عادی سازی و بهبود روابط با کشورهای غیرمتخاصم و حذف تحریمهای ظالمانه و در یک کالم، بهره‌گیری از این فرصتها برای کمک به توسعه اقتصادی کشور عنوان کرد" (بشیری، ۱۳۹۳: ۶۹).

روحانی ذر ابتدای ریاست جمهوری خود با سفر به سازمان ملل ابتکار عملی را برای شروع شدن یخ‌های روابط تیره ایران و آمریکا به دست گرفت. که بعد از پیروزی انقلاب این نخستین ارتباط مستقیم با آمریکا بوده است.

تعامل سازنده

آقای روحانی در کتاب خود از تعامل سازنده با جهان، منافع مشترک، احترام به سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، خنثی‌سازی تهدیدات، بهبود چهره ایران، اعتمادسازی و در نهایت خدمت در راستای تحقق اهداف چشمانداز ایران که همان رشد و پیشرفت کشور می باشد، صحبت نموده‌اند. این موارد بخوبی نشان می‌دهد که آقای روحانی هدف نهایی دولت در عرصه سیاست خارجی را ایجاد زمینه مساعد بین‌المللی برای تعامل سازنده و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی ارزیابی می‌کنند. در برنامه‌ریزی که از سوی وزارت خارجه محمد جواد ظریف اعلام شد احترام متقابل، منافع مشترک، از موضع برابر مبنا و اساس سیاست خارجی را تشکیل داده است. که نشان دهنده تغییر در سیاست جمهوری اسلامی به سمت تعامل است (بشیری، ۱۳۹۳: ۱۸۱).

تعامل سازنده که نتیجه سیاست خارجی و ده در سند چشم‌انداز بیست ساله که مطابق با تأیید مقام معظم رهبری بوده به معنای دو یا چند سازه است که منافع مهم طرف‌ها را در برمی‌گیرد. که در برگیرنده بازی برد - برد برای هر دو طرف است (ترابی، رضائی، ۱۳۹۲: ۱۴۶).

توسعه‌گرایی

در پی تشدید تحریم‌های خارجی و تداوم مشکلات ساختاری در داخل، اقتصاد ایران با افزایش هزینه‌های تولید، سیاست‌های انبساطی پولی و مالی، بروز پدیده رکود تورمی و نهایتاً بی‌ثباتی اقتصادی در مسائل ارزی و تجاری و کاهش شدید رشد اقتصادی کشور تا سطح حدود منهای شش درصد روبرو شده بود. لذا دولت جدید، هدف اصلی خود را در عرصه سیاست‌خارجی، نجات اقتصاد کشور از بحران و تعامل سازنده معطوف به تأمین منافع متقابل با اقتصاد جهانی از طریق غیرامنیتی کردن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل، عادی‌سازی و بهبود روابط با کشورهای غیرمتخاصم، حذف تحریم‌های ظالمانه و در یک کالم، اقتصاد محور کردن سیاست خارجی عنوان کرد (ظریف، ۱۳۹۲: ۳۴).

دولت روحانی سیاست خارجی خود را اقتصاد محور و هدف آن توسعه محور به همراه تعامل سازنده در روابط بین‌الملل عنوان کرده است. که از طریق توسعه اقتصادی و اعتماد سازی می‌توان به اهداف اصلی دست یافت (نصری، نیکویی، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

در همین حال، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز که در سال اول مسئولیت این دولت به اجرا در آمد، ضمن تأکید بر درون‌زایی و اتکا به ظرفیتهای تولید داخل، اصل برون‌گرایی را مکمل آن قرار داده است که بر مدل توسعه برون‌گرای معطوف به داخل تأکید می‌نماید.

در برنامه ششم توسعه به خروج اقتصاد کشور از رکود متوسط رشد اقتصادی ۸ درصدی پیش‌بینی شده بود. که در راستای توسعه اقتصادی باید ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه

گذاری خارجی جذب شود. که ۴۰ درصد آن از یعنی حدود ۳۰ درصد از آن توسط سرمایه گذاری خارجی جذب شود (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۶: ۱۶).

دولت بوش

دکترین بوش در پی هرج و مرج حادثه ۱۱ سپتامبر بر اساس درصد بالای نظامی گری و یکجانبه گرایی تعریف شده بود هدف اصلی آن دفاع از امنیت ملی و منافع حیاتی ایالات متحده بر جهان بوده است (zakarya, 2008:223). در بررسی سیاست خارجی بوش آن را به عنوان یکی ایده آلی استعمارگرا معرفی شده است که مبنای دولت مردان آمریکا قرار رگفته است.

اجرا در نومحافظه کاران سیاست خارجی تهاجمی خود را بر مبنای مقابله با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی در منطقه خاورمیانه به آورده که موجب ناامنی در صحنه نظام بین الملل شده و در همین راستا ایده دموکراسی سازی از طریق تغییر در هنجارها و ارزش ها در دستور کار مقامات آمریکا قرار گرفت (فلاح نژاد، ۱۳۹۷: ۱۰).

تلاش برای در سطح منطقه ای ایجاد شکاف میان کشورهای اسلامی، قرار دادن ایران در مقابل عرب، شیعه در برابر سنی طرح خاورمیانه بزرگ، ایران هراسی در میان کشورهای عربی، با نشان دادن این مسأله که ایران در سلطه بر منطقه است و گسترش شیعه و فرهنگ شیعی، بحث های شیعی، اسلام رادیکال، سیاست تجزیه طلبی و حمایت از قومیت های مختلف و معارض ایران، همگی از اقدامات ایالات متحده جهت تخریب چهره فرهنگی ایران اسلامی گفتمان حاکم بر آن است (شاگری خویی: ۷۳۰).

ایالات متحده به مثابه قدرت هژمون نظام بین الملل حامی اصلی نظام سرمایه داری است در این روند هرگونه حساسیت مسئله زمانی بیشتری احساس می شود که یک بازیگر انقلابی مخالف نظام امریکایی باشد و قابلیت تبدیل شدن به قدرت منطقه ای را داشته باشد که

امریکا به دنبال این سیاست فشار بر ایران را بیشتر نموده است (Snyder, 1999: 266-277).

دولت اوپاما

در مجموع اوپاما در موضوع سوریه از استراتژی امنیت ملی خود پیروی کرده امریکا هیچ نوع اقدامات یک جانبه نظامی در خصوص سوریه انجام نداده و درصدد از بین بردن بحران در کشور با استفاده از نیروی سوم بوده است. (Pollack, 2014: 5).

بها دادن به امنیت اقتصادی به اندازه امنیت نظامی از ویژگی‌ها برجسته استراتژی امنیت ملی امریکا است. رهبری نیرومن و پایدار امریکا یک ضرورت برای نظم قانونمند بین‌المللی است که می‌خواهد امنیت جهانی، موفقیت اقتصادی، کرامت و حقوق بشر همه مردمان را تقویت کنند و باید اقدامات جمعی را سازماندهی کنند.

در دولت اوپاما اقدام نظامی به عنوان آخرین گزینه مطرح شده در صورتی که سایر گزینه‌ها در تحقق منافع امریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین مسائلی همچون تغییرات اقلیمی توسعه طلبی، خشونت‌طلبی گسترش سلاح‌های هسته‌ای، صلح‌سازی، درگیری مسلحانه، شیوع بیماری‌های واگیردار، جنایت‌های سازمانیافته فراملی...، که امریکا باید در این میان پیشرو باشد فلسفه اوپاما در نگرش و وی نسبت به دو جنگ اخیر خاورمیانه بازتاب یافت اوپاما جنگ عراق را به مثابه جنگ یک جانبه علیه حقوق بین‌الملل و در عین حال جنگ افغانستان را به مثابه جنگی با مجور شورای امنیت دانست (محدودی، گودرزی، ۱۳۹۱: ۴۴۹).

استراتژی اصلی اوپاما تحت عنوان باز تعریف راهبری امریکا ارائه شد و با تأکید بر نگاه جهانگرایانه سیاست خارجی امریکا برآن بوده که امنیت و رفاه را نه تنها برای مردم امریکا که برای سراسر جهان ایجاد کند.

اوپاما با نگاهی همراه با اعتدال قائل به تفکیک میان اکثریت مسلمان با محور جمعیت افراط‌گرایی اسلامی است که در قالب گروه‌های تروریستی همانند القاعده فعالیت می‌کرد

او خواستار مقابله با گروه‌هایی افراطی بود که فعالیت می‌کنند آمریکا در این دوره در صدد تمرکز بر منابع و تقویت نهادهای چند جانبه برای مقابله با تروریسم در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بود که از طریق دیپلماتیک و اعمال فشار از طریق همکاری با سایر کشورها این مسئله را حل و فصل کنند (White house, 2010).

دولت ترامپ

باید گفت با توجه به اقدامات ترامپ در طول سیاست خارجی دیپلماسی آمریکا دچار نوعی آشفتگی شده و از مسیر اصلی خود خارج شده است. روی کار آمدن دولت جمهوریخواه جدید در ایالات متحده که با هدف بازسازی اقتصاد آمریکا و گسترش قدرت این کشور راهبرد خود را مشخص نموده، در پیاده سازی سیاست‌های اجرای آن قابل مشاهده است وعده داد نقش، منافع و اهداف این کشور رادر خصوص نهادها و ترتیبات بین‌المللی یاز تعریف کند. او درصدد ارتقای موقعیت آمریکا است ولی برای تعامل با متحدان اصلی، کسب منافع و همکاری با دولت‌های دیگر راهکار مناسبی ندارد. همچنین دولت‌های بوش و اوباما را مورد انتقاد قرار داده که ایالات متحده را با هزینه‌های زیادی مواجه کرده اند و میزان بدهی‌های آمریکا به ۳۲ هزار میلیارد رسیده است که به عنوان میراث آمریکا باقی مانده است. که جز شکست نتایجی برای آمریکا همراه نداشته است که اعلام نموده درصدد بازگرداندن قدرت از دست رفته آمریکا است (Hessler, 2017). که در این راستا جوزف نای معتقد است اقداماتی که آمریکا انجام می‌دهد عملاً (قدرت نرم) این کشور را کاهش داده و امکان اجماع سازی با نظام بین‌الملل برای آمریکا کاهش می‌یابد که در اینجا با توجه به دو اصل می‌توان آشفتگی در سیاست خارجی ترامپ را نشان داد:

در استراتژی امنیت ملی ترامپ جهت افزایش نفوذ آمریکا در جهان دو مولفه‌ی محل نفوذ و ابزار نفوذ دارای محوریت سیاسی هستند در این سند پیش‌بینی شده است ایالات متحده از ابزارها دولت، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی در جهت افزایش

نفوذ امریکا استفاده می‌کنند و بحث اصلی تجارت و اقتصاد به صورت محوری مطرح شده است و از این طریق ایالات متحده امریکا برنامه‌ریزی می‌کند تا وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورها را به خود افزایش دهد ایالات متحده می‌خواهد یک سیستم وابسته اقتصادی در کشورهای متعهد و شریک خود ایجاد کند تا همسویی آنها را با سیاست‌های خود تضمین کند و توجه امریکا را به کشورهای که اصلاحات این کشور را انجام داده است بنماید.

الف) اولویت امریکا و نفی مسولیت بین‌المللی

بر مبنای اصول کلیسیاست خارجی ترامپ به عنوان خط مشی دولت فعلی باید به سیاست و شعار نخست امریکا اشاره کرد. که از مهمترین شعارهای انتخاباتی بود. اساس برنامه ترامپ اولویت دادن به منافع امریکاست و در مقایسه با روسای جمهور قبلی امریکا که موضوعاتی مانند چندجانبه‌گرایی، جزئیات اپیدمی، قدرت هوشمند و تغییرات آب و هوایی را مورد توجه قرار داده است و ایالات متحده را متحد به حمایت از باز کردن جوامع و ایجاد دموکراسی می‌داند. خطوط اصلی و بنیادین رویکرد سیاست خارجی بر کناره‌گیری امریکا از گسترش صلح و ترویج دموکراسی رفاه امنیت و گسترش نفوذ واشنگتن می‌داند (www.farsnews.com. 22001313). چرا که این سیاست از زمان ریگان در راهبرد ایالات متحده امریکا وجود داشته است. که ترامپ به دلیل بالا بودن هزینه آن را مورد انتقاد قرار داده است اعلام نموده که هزینه‌های اضافی را در سراسر جهان صرف بازسازی امریکا خواهد کرد. مسئله بعدی رویکرد اتحاد بدون هزینه، ترامپ به طور کلی با رویکرد نظامی تقابل دارد که متحدان امریکا همچون کشورهای عربی فاتحاده اروپا، باید برای تامین هزینه‌های نظامی به امریکا کمک کنند (ازغندی، جهانگیر، ۱۳۹۷: ۷).

کاهش تعهدات امنیتی امریکا در قبال متحدان امریکا یکی از ویژگی‌های راهبردی دولت ترامپ محسوب می‌شود که از نگاه اقتصادی محورانه او نشات می‌گیرد اقدامات او

در برابر اروپا، کره، ژاپن و ناتو و کاهش تنش با روسیه بیش از آن که جنبه امنیتی داشته باشد از سیاستهای اقتصادی او نشات می‌گیرد (یزدان فام، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

ب) اصلی کجانبه گرایی و نفی مسولیت بین‌المللی:

امریکای ترامپ برخلاف رئیس‌جمهورهای قبلی که تمایل عجیبی به چندجانبه گرایی و همسو کردن دیگر کشورها و متحدین امریکا در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی داشته این بار تلاش می‌شود که راهبرد و سیاست خارجی امریکا به گونه تفاوت مشخص بشود تمایل به یک جانبه‌گرایی دارد (National security united states, 2017). که می‌توان به اقداماتی که موجب تنش در دیپلماسی جهانی شده است اشاره کرد: از جمله مناقشه کره، خروج از برجام و تنش با اتحادیه اروپا اشاره کرد.

همگرایی در روابط ایران و امریکا

دوره خاتمی - بوش (۲۰۰۵-۲۰۰۰)

در خصوص روابط ایران و امریکا در دوره خاتمی که مصادف با دوره جرج بوش بود. دولت دخاتمی سعس نمود در مقابله کابینه نو محافظه کاران سیاست تنش‌زدایی را در پیش گرفته و چهره جمهوری اسلامی را به عنوان یک چهره صلح طلب معرفی کند که مهمترین بحث در روابط کشور برنامه هسته‌ای ایران است که تلاشهای در این زمینه صورت گرفت و در راستای تعامل و گفتگو با کشورهای غربی در سال ۱۳۸۲ سه کشور آلمان فرانسه و انگلیس در تهران در خصوص برنامه هسته‌ای ایران موافقت نامه سعدآباد را امضا کردند که نتیجه آن همکاری کامل آژانس انرژی اتمی، حق ایران برای استفاده مسالمت آمیز از انرژی هسته‌ای، به رسمیت شناختن حاکمیت ملی ایران، و دستیابی گسترده‌تر ایران به فناوری هسته‌ای در صورت انجام حسن نیت که نتیجه این موافقت نامه بود (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۵).

و مدتی بعد از آن موافقت نامه بروکسل با این سه کشور امضا شد که در این توافق اروپا متعهد شد که در راستای عادی کردن پروتکل الحاقی ایران تلاش کند. و در توافق بعدی

تحت عنوان توافق پاریس ایرا بعد از مذاکره با کشورهای اروپایی در صدد متوقف کردن غنی سازی اورانیوم بر آمد.

همکاری گسترده سازمان انرژی اتمی ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از طریق تبادل و ارسال اطلاعات گسترده و پذیرش بازرسی‌های سرزده و همه جانبه از تأسیسات کشور و حتی صدور مجوز بازرسی‌های سایت‌های نظامی توسط وزارت دفاع، همه حاکی از اراده دولت خاتمی در پیشبرد مؤثر حل و فصل پرونده هسته‌ای در قالب یک همکاری و تعامل سازنده است. این همکاری‌ها و تعاملات با هدف رفع سوء تفاهم‌ها و ایجاد اعتماد در طرف مقابل بود (بعیدی نژاد، ۱۳۸۴: ۲۰۶). در واقع دیپلماسی دولت هشتم بر مبنای مدیریت منعطف شرایط بود. که نمود آن را می‌توان در مذاکره با کشورهای اروپای و امریکا دانست.

در این دوره سیاست چند جانبه گرایی بین‌المللی در بن سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت و جذب سرمایه گذاری از رهگذر اعتماد سازی مورد توجه و عنایت شده است. که اروپا توجه خود را به سرمایه گذاری در نفت ایران معطوف کرد (تحقیقی، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

اقای خاتمی در سال ۱۳۷۷ با سفر به نیویورک در اجلاس عمومی سازمان ملل شرکت نمود که نخستین بار بعد از ۱۱ سال بود که در اجلاس سازمان ملل شرکت کرد.

احمدی نژاد - بوش (۲۰۰۵-۲۰۰۸)

بوش در سال ۲۰۰۲ سند استراتژی امنیت خود را اعلام کرد و صراحتاً از لزوم داشتن دشمنان از به کار گیری تسلیحات کشتار جمعی یاد کرد. که دکترین امنیت ملی خود را بر ۴ اصل اساسی بنا کرده است جنگ پیشگیرانه، مبارزه با تهدیدات تروریستی تغییر رژیم دولت‌های فرومانده و اشاعه دموکراسی بوده است.

استراتژی تغییر رژیم در چارچوب مبارزه با تروریسم به مثابه رویکردی برای اعمال ساز و کارهای دموکراتیک در جوامع خاورمیانه به عنوان شیوه‌ای برای مقابله با تهدیدات در دستور کار رژیم بوش و تیم نو محافظه کار قرار گرفت.

سیاست امریکا در دوره بوش در جهت امنیتی کردن ایران از سوی امریکا و براساس هژمونیک‌گرایی بود که هنجارهای بین‌المللی را به حاشیه برده و با بهره‌گیری از مولفه‌های سخت‌افزاری در پی تفوق ایده برتری جویانه سلطه امریکا است. در واقع دولت بوش هر نوع مذاکره با دولت احمدی‌نژاد را رد کرد بود به دلیل مواضع تند دولت احمدی‌نژاد در این دوره به نتیجه‌ای نرسید.

مواضع ایالات متحده در پرونده هسته‌ای ایران بر محور یکجانبه‌گرایی تهاجمی قرار داشت. تهدید مکرر ایران از سوی مقامات امریکا به ویژه دولت جرج بوش و سخن از وجود همه‌گزینه‌ها روی میز است بیانگر آن است. که با وجود مذاکرات ۱+۵ با تران دولت بوش مسیر جداگانه‌ای را در پیش گرفته و به دنبال این بودند تا مذاکرات به توافق نرسد. ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، صدور قطعنامه و اعمال تحریم علیه ایران بیانگر رویکرد تهاجمی دولت بوش علیه ایران است (همان، ۱۰۲).

بعد از پیروزی محمودی احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۱۳۸۴ بعد از حدود ۹ ماه پرونده ایران به شورای امنیت فرستاده شد و دولت ایران از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم را بعد از دو سال در دستور کار قرار داد. در مقابل شورای امنیت قطعنامه را بر علیه جمهوری اسلامی صادر کرد. که ریس وزیر امور خارجه امریکا بر شدت فشارها بر علیه ایران تأکید داشته است.

از همین روست که سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با توجه به مقتضیات زمانی در دهه هشتاد شکل تهاجمی به خود گرفته و دولت احمدی‌نژاد مسئول اجرای سیاست کالان نظام شده است. گفت‌وگوهای به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تحولات

سیاسی در دهه هشتاد در خدمت سیاست و اهداف دولتمردان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و با دال مرکزی "حق مسلم" به پیشرفت فناوری هسته‌ای در کشور منجر شده است. دولت بوش ایران را بازیگری می‌دانست که در مقابل هژمونی این کشور قرار گرفته است که با استفاده از زور باید ایران را متقاعد کرد.

آنان می‌دانند که قادر نیستند هیچ اقدام قابل توجه و اثرگذاری را علیه منافع ملت ایران انجام دهند و می‌خواهند با فشار سیاسی ما را وادار به عقب‌نشینی کنند. دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان خادم ملت، خود را موظف می‌داند با پشتیبانی مردم شریف و شجاع، از حقوق آنان قاطعانه دفاع کند (احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۱۱/۱۶).

تحولات سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به رغم تباین و تعارض ظاهری، ریشه در گفتمان واحدی به نام گفتمان انقلاب اسلامی دارد. در واقع همانگونه که رهبر انقلاب تأکید کرده است دولت‌ها و مسئولان در دوره‌های مختلف برای اجرای اصول ثابت انقلاب اسلامی مانند استقلال و استکبارستیزی، عدالت و مردم‌سالاری می‌توانند تاکتیک‌ها و روش‌های گوناگونی را انتخاب کنند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴)؛

یکی از علل مهم تداوم منازعه ذایرانو امریکا بحث در خصوص حمایت از بنیان‌ها و منافع ملی به همراه مصالح اسلامی در چارچوب گروه‌های همچون حزب الله و جهاد، حماس بوده است که ایالات متحده آنها را جنبش تروریستی معرفی نموده است که نظم و امنیت منطقه‌ای را با چالش مواجه کرده است (متقی، ۱۳۸۴: ۲۲۹).

آیت الله خامنه‌ای نیز در این دوره، عقب‌نشینی از مسئله هسته‌ای را به معنای شکست استقلال کشور میدانند که منجر به زنجیرهای از فشارها و عقب‌نشینی‌های دیگر می‌شود. جمهوری اسلامی ایران، عقب‌نشینی از مسئله هسته‌ای را که خواسته عظیم ملی و حق طبیعی ملت ایران است به معنای شکستن استقلال کشور میدانند که هزینه بسیار گزافی برای ملت ایران خواهد داشت.. هرگونه عقب‌نشینی در مقطع کنونی زنجیرهای تمام نشدنی از فشار و عقب‌نشینی‌های دیگر را در پی خواهد داشت (khamenai.ir).

اوباما - احمدی نژاد (۲۰۰۸-۲۰۱۲)

سیاست‌های اوباما در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌تواند در چارچوب راهبرد مختلف قرار بگیرد فضای تبلیغاتی از طریق رسانه‌ها آمریکا و سایر کشورهای غربی برای انجام فعالیت روانی علیه ایران در ارتباط با فعالیت‌های غیر صلح آمیز ادامه خواهد یافت. آمریکا برای تحقق اهداف خود از اقداماتی همانند مذاکرات چند جانبه، محدودسازی ایران و ایجاد اجماع بین‌المللی استفاده نموده است (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

اوباما مصمم تحریم‌ها بود و استفاده از گزینه نظامی را در اولویت نمی‌دانست و تحریم‌های صورت گرفته در قالب قطعنامه ۱۹۲۹ یا در قالب قوانین کنگره مانند قوانین تحریم ایران و کاهش سرمایه گذاری در سال ۲۰۱۰ اشاره کرد.

قطع ارتباط بانکی ایران با کشورهای جهان موجب مختل شدن خرید و فروش نفت شد از طرفی هم جلوگیری از ورود تاسیسات نفتی به داخل ایران موجب کاهش تولیدات ایران شد (متقی، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

استراتژی اوباما در قبال ایران اگرچه با پوسته سخت فشارهای اقتصادی و سیاسی همراه بود اما هسته اصلی آن تمرکز بر جنگ نرم و تضعیف مدیریتی ایران بود. آمریکا پس از انقلاب اسلامی تلاش نمود که انقلاب اسلامی ایران را مشروع جلوه دهد که در دولت‌های قبلی آمریکا همواره با نظام ایران مخالفت داشته است. با بررسی رویکرد اوباما در موضوع هسته‌ای مشخص می‌شود که آمریکا بیش از هر کشور دیگری مخالف برنامه هسته‌ای و به ویژه غنی سازی اورانیوم توسط ایران بود فشارهای زیادی را به صورت تحریم علیه ایران اعمال کرد. تا به اهداف خود دست یابند.

دولت اوباما در نوامبر ۲۰۱۱ در صدد با هدف قرار دادن بخش کلیدی نفت که تقریباً ۸۰ درصد درآمد دولت ایران را تشکیل داد. گزینه فشار را بر ایران بیشتر کند و درصدد محدود کردن واردات نفت از ایران برآمد و اتحادیه اروپا در ماه جولای ۲۰۱۲ واردات نفت خود را از ایران محدود کرد (BBC, 2015).

تحریم‌ها و محدودیتهای سیاسی به عنوان مهمترین شاخص فشار علیه ایران در حد وسیعی به کار گرفته شده است. آمریکا و اسرائیل چه به صورت مستقیم و چه به صورت لابی صهیونیسم و اعراب در این زمینه نقش ایفا کرده اند در همین چارچوب آمریکا و اسرائیل و بازیگرانی همانند هند و چین روسیه به دلیل همکاری با ایران تحت فشار قرار داده‌اند (smonti, 2010). و در مقابل دولت اصول‌گرا به دنبال حفظ آرمانهای انقلاب بوده که از انرژی هسته‌ای به عنوان اصل اساسی در سیاست خارجی ایران یاد کرده و آن را غیر قابل مذاکره می‌داند. دولتمردان اصولگرا در دهه هشتاد سیاست هسته‌ای را عامل توسعه و پیشرفت کشور معرفی می‌کردند. آنها در این برهه که زیر فشار تبلیغات بینالمللی و به ویژه آمریکا مبنی بر تسلیحاتی بودن برنامه اتمی ایران بودند تالش می‌کردند تا فناوری اتمی را یکی از چرخه‌های اقتصادی کشور معرفی کنند و جایگاه انرژی اتمی در توسعه اقتصادی کشور را پررنگ کنند. وسعت کاربرد این دانش در صنعت، کشاورزی، پزشکی، محیط زیست و نیرو به گونهای است که دستیابی به اهداف بلند اقتصادی و اجتماعی کشور بدون آن امکان‌پذیر نیست.

در کنار شعار انرژی هسته‌ای حق مسلم ایران دولتمردان اصولگرا شعار انرژی هسته‌ای حق همه ملت‌ها را مطرح می‌کردند. ایران به عنوان عضو فعال جنبش غیرمتعهدها موفق شد با این گفتمان بیانیهای متعدد غیرمتعهدها را به نفع خود داشته باشد. در واقع برنامه هسته‌ای ایران محملی برای فشار دول جهان سوم بر دارندگان سال‌های اتمی برای خروج از انحصار هسته‌ای شده بود. ما پیشرفت و تعالی و رشد علمی در تمام زمینه‌ها را حق همه ملت‌ها می‌دانیم. برخورداری از همه علوم و فنون و به خصوص فناوری صلح‌آمیز تولید سوخت هسته‌ای متعلق به همه کشورها و ملت‌هاست و نمی‌توان با محدود کردن آن در دست عدای خاص ضمن محروم کردن اغلب ملت‌ها و بهره‌برداریهای عظیم انحصاری اقتصادی از آن به عنوان ابزار سلطه نیز سود برد (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴).

اوباما - روحانی (۲۰۱۶-۲۰۱۲)

پیروزی حسن روحانی در انتخابات ژوئن ۲۰۱۳ فضای سیاسی بین تهران و واشنگتن را برای احیا مذاکرات مساعد ساخت سپس در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ روحانی و اوباما تمایلشان برای دیدار دو جانبه نشان دادند. که راه را برای مذاکرات دوباره نیویورک آغاز نموده است (Baker, 2013). که در دوره احمدی نژاد این فرصتها و زمینه‌ها فراهم نشد. برای اوباما تنها دیپلماسی و راه حل مسالمت آمیز به همراه چند جانبه گرایی می‌توانست بین دو گروه ۱+۵ توافق ایجاد کند که در سال ۱۳۹۴ در تیرماه به توافق تاریخی برجام منجر شد. که در ادامه سازمان ملل ۱۵ رای موافق با هدف لغو تحریمها به تصویب رساند. دیپلماسی دولت یازدهم با غرب زمانی آغاز شد که تقریباً دیپلماسی ایران در طول ۸ سال با غرب دستاوردی نداشته و در فضای متشنج قرار داشت. که دوباره مذاکرات از سر گرفته شد از طریق ارتباط با گروه ۱+۵ سازمان انرژی اتمی و شورای امنیت صورت گرفت که زمینه را برای کسب و نفوذ بیشتر فراهم کرد. ویژگی جغرافیایی سیاسی ایران در منطقه آسیای مرکزی، خلیج فارس و غرب همواره زمینه بالقوه‌ای برای پیشرفت اهداف دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. این موضوع در سال‌ها یا خیر از اهمیت ویژه‌ی برخوردار بوده است. زیرا از یکسو الزامات ناشی از اهداف سند چشم‌اندا بیست ساله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، همکاری و همگرایی با کشورهای منطقه می‌تواند به عنوان یک تهدید باز دارنده برای تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی کشور نقش ایفا کرد (اشلفی، جامی، ۱۳۹۱: ۱۳۹۲).

اوباما با دستور کار سیاست خارجی آرمان‌گرایانه جدید و تعهد به تغییر چهره آمریکا در خاورمیانه روی کار آمد. در صدد آرایش مجدد نظام بین‌الملل برآمد و دیپلماسی چندجانبه رادر سیاست خارجی به کار گرفت (Rubin, 2009:68). این نکته را باید در نظر داشت که سیاست خارجی آمریکا و ساختارهای استراتژیک تصمیم‌گیری در سیاست آمریکا چند لایه است و از حوزه‌های مختلف ناشی می‌شود (حیدری، رهنورد،

۱۳۸۹:۸۶) اواما برای حل یکی از طولانی‌ترین مناقشه‌های قرن بیست و یکم عزمش را جزم نمود و در چارچوب چند جانبه‌گرایی امریکا نهادگرایی نو لیبرال و دیپلماسی با بهره‌گیری از آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل فشار بر ایران را افزایش دهد (منتظری، طباطبائی، ۱۳۹۷:۱۱۳). اواما در خصوص پرونده هسته‌ای ایران مسیری را انتخاب کرد که منجر به همکاری و اجتماع قدرتهای بزرگ شد. و نهادهای بین‌المللی در این میان نقش مهمی را ایفا کردند. که راه کم هزینه تری برای به ادامه روند امریکا بود.

براساس اصل همراه سازی امریکا با مشارکت متحدانش در اتحادیه اروپا و شرق آسیا تلاش می‌کند که شعاع جغرافیای تحریمها را گسترش دهد و سعی در گسترش تحریم علیه بخش اقتصادی و نظامی ایران است (دلاور پور، ۱۳۹۴:۸۴).

از سوی دیگر اواما استراتژی چماق و هویج را در پیش گرفت و خواستار گرایش ب سمت ایران بود که در اولین اقدام شناسائی انقلاب اسلامی ایران و تمایل به دوستی با این کشور بود، که بیانگر شفافیت سازی در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا می‌باشد. باید گفت که سیاست امریکا در این دوره مصالحه جویی با ایران بوده (joshi, 2014: 10-12).

ترامپ - روحانی (۲۰۱۶- تاکنون)

دونالد ترامپ از زمان انتخابات به تهدید ناشی از جانب ایران تاکید داشت و اصلی ترین مخالف ترامپ بود و همواره تیم دولت ترامپ تلاش نموده است. تا با احیای سیاست ایران هراسی تهدید ایران را جدی کند به عنوان مثال جیمز ماتیس وزیر دفاع امریکا در آوریل سال ۲۰۱۷ در دیدار از عربستان در این رابطه گفت «هرجا در منطقه‌ای خاورمیانه که در آن مشکل وجود دارد پای ایران در میان است (Express, 2017:20).

سیاست دونالد ترامپ از زمان کارزارهای انتخاباتی او شکل گرفته بود. که دارای کنشهای معناداری در قبال ایران بود. انتقاد از سیاست‌های باراک اواما در قبال جمهوری اسلامی، لغوبرجام و اعمال محدودیت‌های مهاجرتی علیه ایران از همان آغاز بیانگر چهره

ضدایرانی ترامپ بود. و در کابینه ترامپ چهره‌های ضد ایرانی زیادی وجود دارد که دایای رویکردهای ضدایرانی هستند. همانند رکس تیلسون، مایکل پمپئو... چهره‌های جنگ طلب و مخالف سیاست‌های ایران در منطقه هستند. توافقنامه هسته‌ای ایران و ۱+۵ که در سال ۲۰۱۵ منعقد شد در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما تحت عنوان برجام موجب حل و فصل منازعات از طریق دیپلماسی و مذاکره شد ولی با روی کار آمدن دونالد ترامپ که در دوران مبارزات انتخاباتی برجام را موجب هدر رفتن هزینه‌های آمریکا می‌دانست و با نگاهی ایزاری به این توافقنامه نگاه می‌کرد. که آمریکا حدود ۱۵ میلیارد دلار هزینه نموده است و در مقابل چیزی به دست نیاورده است. و سیاست اوباما رابه شدت اشتباه اعلام نمود که حاصل آن یک «توافقنامه بد» بوده است (Vatnka, 2016). ترامپ با خروج از برجام نه تنها آینده حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران را با ابهام مواجه ساخت بلکه به علت شانه خالی کردن از یک مسولیت بین‌المللی که پشتوامه آن شورای امنیت و آژانس انرژی اتمی بود اصل دیپلماسی با تردید مواجه شد (صالحیان، ۱۳۹۷).

اقدامات دولت آمریکا همواره در پی محدود کردن ایران در منطقه بودند مسیر پرونده حقوقی را به حوزه سیاسی امنیتی بردند که ایران را متهم به ساخت جنگ افزاری نظامی متهم کردند و اعلام نمودند که به علت ۱۸ سال پنهان کاری کشور ایران اعتماد آژانس انرژی اتمی کاهش یافته است (طباطبائی، منتظری، ۱۳۹۷: ۹۷).

سیاست خارجی ترامپ را از طرفی می‌توان منفعت محور قلمداد کرد که قصد دارد تنها منافع استراتژیک آمریکا را دنبال کند. که رویکردی واقع گرایانه و ماکیاویستی دارد. رویکرد اول آمریکا از ویژگی دکتترین ترامپ قلمداد می‌شود که طی آن دولت ترامپ متعهد می‌شود در سیاست خارجی بر منافع ملی تاکید کند. دولت ترامپ با بلند کردن دوباره اهرم فشار تحریم هسته‌ای و کنجانندن سپاه پاسداران به فهرست سازمانهای تروریستی وزارت خارج، گزینه تغییر سیاستهای موشکی و منطقه‌ای ایران را در دستور کار قرار داده است. که با بالا رفتن هزینه‌های تحریم و طرحهای عمرانی ایران به صادرات نفت

گاز باعث شده اقتصاد ایران فلج شود که نشان دهنده حربه اقتصادی ترامپ برای کنترل ایران است. تحریم گسترده ایران توسط کنگره آمریکا با وجود آن که بیش از ۵۰ لایحه در کنگره در حال بررسی است تصویب تحریم‌های کنگره آمریکا قرار گرفته است که تا سال ۲۰۲۶ در زمره قوانین مادر قرار گرفته گسترش دامنه شعاع تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران گسترش داده که با ارجاع سه فرمان ۱۳۲۴ و ۱۳۴۳۸ و ۱۳۵۷ اعمال شده اند و بخشی از طریق متهم سازی سپاه به مداخله در امور داخلی کشورها پیگیری می‌شوند (Katzman, 2017: 9)

که در یک جمع بندی کلی می‌توان تعامل جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در دوره‌های مختلف همواره با تضاد و تنش همراه بوده و همگرایی به صورت کامل وجود نداشته چرا که نحو ساختار مدیریتی در سیاست خارجی ایران و آمریکا به طور کامل همسو نبوده ولی می‌توان گفت در برخی از دوره‌ها همچون دوره خاتمی بوش ایران سعی در جلب حمایت آمریکا و تعامل با نظام بین‌الملل داشته که رویکرد ایران به سمت تنش‌زدایی حرکت نمود. و سپس با روی کار آمدن دولت اصول‌گرایی آقای احمدی نژاد که به شدت با مواضع غرب مخالف بود دیپلماسی چندان کارساز نبوده و در دوره بوش و اوایل ریاست جمهوری باراک اوباما که همزمان با این دوره بود تنشها و مشکلات دوباره شروع شد و شاهد تحریم‌های گسترده آمریکا علیه ایران هستیم. سپس با روی کار آمدن دولت حسن روحانی شاهد حرکت ایران به سمت تعامل با نظام بین‌الملل و آمریکا هستیم در این راستا، که طی چند سال گذشته کشورهای غربی به رهبری آمریکا تلاش داشته اند تا ایران را به عنوان یک پدیده امنیتی معرفی کنند. آنها به بهانه موفقیت‌های ایران در عرصه هسته‌ای و همچنین برخی اقدامات در عرصه سیاست خارجی، تلاش میکنند ایران را به عنوان تهدیدی علیه امنیت منطقی‌های و حتی جهانی معرفی کنند و با طرح این موضوع عملاً زمینه را برای تحریم‌های بیشتر و بالابردن هزینه‌های ایران فراهم سازند. در این بین بعضی از اقدامات و سیاست‌ها توافقی با آمریکا در

زمینه برجام دحاصل شد که کنار رفتن تحریمهای ایران در حال شروع شدن بود و دو طرف به توافقات پایبند بوده تا اینکه شاهد روی کار آمدن دونالد ترامپ هستیم که سیاست خود را بر مبنای الویت نخست امریکا و افزایش قدرت اقتصادی امریکا قرار داده است. که توافق با ایران را به دلیل هزینه بر بودن برای امریکا ذبرهم زده و آن را یک توافق ناعادلانه می داند و دور جدید تحریمها را علیه ایران اعمال نموده است. و در مقابل دولت اصلاحات خود را پایبند به توافق می داند و از سایر اعضا ۱+۵ خواستار متعهد شدن به آن است. در واقع باید گفت که تحریم اصلی برای ایران بین سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ نقش اصلی را در ایجاد فشار اقتصادی بر ایران داشته است. در واقع در فاصله بین این سالها دو قطعنامه تحریمی ۱۷۳۷ و ۱۸۰۳ از سوی شورای امنیت سازمان ملل بر علیه برنامه هسته‌ای ایران صادر شد که محور اصلی در این دوره تلاش برای قطع ارتباط ایران با دنیا و فشار بر سیستم مالی پولی بین‌المللی بوده است. که بعد از بوش در دوره اوباما در نوامبر ۲۰۰۹ قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت شامل شدیدترین تحریمها در زمینه انرژی، برنامه موشکی و منابع مالی و موشکی بوده است. در دوربعدی تحریمها فشار حداکثری در زمینه تحریم شرکتهای هواپیمایی، تاسیات نفتی، سرمایه گذاری خارجی و مسائل حقوق بشری را در بر گرفت.

- ۱) احمدی نژاد، محمود (۱۳۸۴). «بیانیه رئیس جمهور خطاب به ملت شریف جمهوری اسلامی ایران»، در کتاب **پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به روایت اسناد**، به اهتمام کاظم غریب آبادی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲) احمدی نژاد، حمید، بصیری، محمدعلی (۱۳۹۵). «تبیین دیپلماسی فرهنگی سیدمحمد خاتمی»، **فصلنامه سیاست‌های بین‌المللی**، سال هفتم، شماره ۴۶، صص ۴۹-۱۰.
- ۳) ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ چهارم، تهران: نشر قومس.
- ۴) ازغندی، علیرضا، جهانگیری، سعید (۱۳۹۷). «واکاوی سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه»، **فصلنامه راهبردسیاسی**، سال دوم، شماره ۵.
- ۵) اشلفی، مجید، جامی، مرتضی (۱۳۹۲). «جمهوری اسلامی ایران و سازمان اکویست سال پس از گسترش سازمان»، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی**، شماره ۸۴، صص ۸۴-۶۴.
- ۶) اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۲). **بررسی سیاست‌های استراتژیک در دوره روحانی**.
- ۷) بشیری، عباس (۱۳۹۳). **گفتمان اعتدال: گذری بر آرا و اندیشه‌های دکتر روحانی**، تهران: نشر تیسرا.
- ۸) بعیدی نژاد، حمید (۱۳۸۴). «سیاست هسته‌ای آقای خاتمی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال نوزدهم، بهار، شماره ۱.
- ۹) تحقیقی، ترانه (۱۳۸۸). **مولفه‌های راهبردی در تدوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- ۱۰) ترابی، قاسم، رضائی علیرضا (۱۳۹۲). «سیاست خارجی حسن روحانی در چارچوب دولت توسعه‌گرا»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، شماره ۱۵، صص ۱۶۱-۱۳۱.
- ۱۱) حمیدنژاد، محسن (۱۳۸۴). «سخنرانی رئیس جمهور در سازمان ملل ابتکار هسته‌ای»، در کتاب **پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد**، به اهتمام کاظم غریب آبادی، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
- ۱۲) خاتمی، سیدمحمد (۱۳۸۰). **گفتگوی تمدن‌ها**، تهران: نشر طرح نو.

- ۱۳) دلاور پوراقدام، مصطفی (۱۳۹۴). **فرصتها و چالشهای برجام**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی ابرار معاصر.
- ۱۴) دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). **درآمدی بر سیاست خارجی دکتر احمدی نژاد**، تهران: انتشارات ملی و فرهنگی.
- ۱۵) دهقانی فیروزآبادی، سیدجمال (۱۳۸۸). **سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران**، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۶) «دیدار وزیر امور خارجه، معاونین، مشاورین و روسای نمایندگیهای ایران»، قابل دسترس در: www.khamenai.ir.1384.12.4
- ۱۷) رمضان، روح الله (۱۳۸۹). **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی**، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور.
- ۱۸) سیمبر، رضا (۱۳۸۹). «سیاست خارجی امریکا و تحریم جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، **دانش سیاسی**، سال ششم، صص ۱۳۸-۱۰۷.
- ۱۹) صالحیان، تاج الدین (۱۳۹۷). **یکجانبه گرایی امریکا در دوران ترامپ و تاثیر آن بر نظام بین المللی**، تهران: ابرار معاصر.
- ۲۰) صانعی، علیرضا (۱۳۸۸). **سیاست خارجی دولت در قبال امریکا لاتین**، تهران، مرکز اسناد پژوهش های روابط بین الملل.
- ۲۱) فلاح نژاد، علی (۱۳۹۷). «امریکا و دموکراسی در خاورمیانه از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا دوره ترامپ»، **فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام**، سال هشتم، شماره ۳، صص ۱-۲۶.
- ۲۲) فیروزآبادی، سیدجمال و جامی، مرتضی (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۹، شماره ۱، صص ۷-۵۲.
- ۲۳) عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۷). «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۱۴.
- ۲۴) غریب آبادی، کاظم (۱۳۸۶). **موضوع هسته ای ایران به روایت اسناد**، تهران: موسسه چاپ و نشر وزارت خارجه.
- ۲۵) ظریف، محمدجواد (۱۳۹۲). **برنامه سیاست خارجی**، تهران: وزارت امور خارجه.

۲۶) کونتر، هارولد، سیریل اودانل، هینزویریچ (۱۳۸۰). **اصول مدیریت**، ترجمه محمد هادی چمران، تهران، نشر موسسه انتشارات علمی.

۲۷) «گفتمان سیاست خارج یا حمدی نژاد-خاتمی» قابل دسترس در:

www.basiratnews.265309.1392/12/17

۲۸) طباطبایی، سیدمحمد و منتظری، حمید (۱۳۹۷). «مقایسه سیاست خارجی بوش و اوباما در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، **پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، سال هفتم، شماره ۱۰.

۲۹) متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). «بررسی الگوها و فرایندهای تقابل‌گرایی علیه ایران در سال‌های ۲۰۰۸»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۴۷.

۳۰) محمودی، محسن و گودرزی، سهیل (۱۳۹۱). «سیاست نرم افزایش ایالات متحده در دوره اوباما»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال هفتم، شماره ۲، صص ۴۵۱-۴۱۳.

۳۱) «مروری بر سیاست خارجی ایران از ۶۸ تا ۸۴ از تنش‌زدایی تا تعامل سازنده»:

www.Farseeurones.com.1393/8/7

۳۲) منصوری مقدم، جهانشیر و اسمعیلی، علی (۱۳۹۱). «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی با تاکید بر اصل نظام»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۴۱، صص ۲۸۳-۳۰۰.

۳۳) نادری، محمود (۱۳۹۱). «سیاست خارجی ایران در دولت اصلاحات نسبت به اتحادیه اروپا از منظر سازه‌انگاری»، **فصلنامه مطالعات جهانی شدن**، سال ششم، شماره ۱۶.

۳۴) نجفی جویبار، خورشید (۱۳۹۳). «سیاست ایران در دوره روحانی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال چهارم، شماره ۱۴.

۳۵) نیکویی، سیدامیر و نصری، عسگر (۱۳۹۶). «راهبرد هسته‌ای متفاوت ایران تبیینی از دریچه واقع‌گرایی نوکلاسیک»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره ششم، شماره ۲، صص ۸۵-۱۲۲.

۳۶) نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۴). «اقدامات و برنامه ریزی پس از تحریم»، **گزارش سفیر تهران**.

۳۷) یزدان فام، محمود (۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۷۴.

38) Snyder, Robert (1999). "The U. S and third world Revolutionary state: understanding the Break down in Relationship". International study quarterly. 43(2). 2525

- 39) White house (may 2010). “national security strategy document”. At: www.whitehouse.gov/sites/default/national_security_strategy.pdf
- 40) Zakaria, fareed (2008). *The post-American world and Rise of The Rest*, London: penguinBooks.
- 41) Pollack, Kenneth (2014), *National security strategy of united states*, <http://www.WhiteHouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/Nss/Final12/12/2017-0905-pdf>
- 42) Cherkaoui, mohamad (2010), *Clinton versus trump: two Distant vision for america*
- 43) Walt, Stephen (2018). *The Art foregine me"forign pohicy*. <http://foreignpolicy.com./2018/05/08>.
- 44) Donald trump (2017). *making the world sufe for Dictators"* forignpolicy, 3, January. Available: <http://forienpolicy.com.2017/01/03>.
- 45) Katzman, Kenneth (2017). *"Iran sanctions"* Washington congerss research service uaurtly. No83.
- 46) Csmonitor (2010) *Russiaspends Iran arms salo following Iseraieilpm visit to moscow*. csmonitor: <http://www.csmonitor>.
- 47) Baker, P (2013). *usand Iran agree to speed talks to defase nuclerIssue*. the new York Times
- 48) Rubin, barry (2009). *U. S middleeast policy: Tooman challenges and yetasingale the middleast Reviw of international affairs*.
- 49) ALDosari, N (2015). “Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad eeeee is One rrr iign oolicy in I,,, , hihh is Khmmæeei’s ooeinn Policy”, World Journal of Social Science Research, Vol. 2, No. 1, PP. 47-71.
- 50) Obama, Barak (2007). *Renewing American Leadership*, Foreign Affairs, July-Augus
- 51) Laub, Jim (2004). *Difning Servant Leadership: Arecommended Typology for Servent Leadership Studies*, *Servant Leadership Roundtable*, published by the School of Leadership Studies, Regent University.
- 52) Thimmaiah, Gujjarappa (2006). *Political Leadership and Economic Development in Karantaka*. <http://www.esocialscience.org/>
- 53) Cohen, Stephen Philip (2006). *Leadership and the management of National security: an over view*.